

بسم الله الرحمن الرحيم

شرح دعای ابوحمزه ثمالی از آیت الله جوادی آملی دامت برکاته (قسمت نهم)

أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ . بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

گر چه همواره راه نیایش عبد و مولا باز است، ولی برای زمان مشخص مانند ماه مبارک رمضان که عید اولیای الهی است، فضیلت مخصوص است.

وجود مبارک امام سجاد برای جذب و جلب رأفت و رحمت الهی دستور انعطاف را به انسان مرحمت می کند، تا یک نیایشگر به ذات اقدس إله عرض کند: اگر گناهی از ما صادر شده است، در اثر لجاج و عناد نبوده! ما می دانیم که مستوجب عذاب الهی هستیم، لکن

دو عامل ما را وادار می کند که از ذات اقدس إله درخواست عفو کنیم؛

1- گناه ما روی لجاج و عناد نیست. ما به عنوان آلد الخِصام و مانند آن دست به گناه دراز نکرده ایم. بلکه بر اثر غفلت بوده است.

2- می دانیم شما بخشنده و مهربانی! پس قصور ما از یک سوی، کرم شما از سوی دیگر، این دو عامل ما را وادار می کند که دست نیایش به سوی شما دراز کنیم. اگر کسی بر اثر لجاج گناه کند، مستکبرانه دست به گناه دراز کند، چنین کسی در خور عفو نیست! یا اگر مولائی کریمانه با بنده اش برخورد نکند، چنین بنده تبهکاری به خود اجازه درخواست عفو نمی دهد. لکن هر دو عامل در اینجا برای دعا وجود دارد؛ یکی غفلت و جهالت ما، دوم کرم و بزرگواری شما.

آنگاه عرض می کند: خدایا! نه تنها ما را ببخش، بلکه همه تبهکاران را ببخش! اگر راهی برای بخشش تبهکاران نباشد، اینها ناامید خواهند بود. آنگاه فرقی بین مولای رئوف، و عاقل رئوف نخواهد بود.

این جمله را با این صورت بازگو می کند که: گرچه ما استحقاق گذشت نداریم، ولی شما مولای کریمی!

وَإِنْ كُنَّا غَيْرُ مُسْتَوْجِبِينَ لِرَحْمَتِكَ فَأَنْتَ أَهْلُ أَنْ تَجُودَ عَلَيْنَا وَ عَلَى الْمُذْنِبِينَ بِفَضْلِ سَعَتِكَ

پروردگارا! می خواهی با ما برابر اوصاف ما رفتار کنی یا برابر اوصاف خودت؟! اگر می خواهی برابر اوصاف ما رفتار کنی، ما مستحق عذابیم، اگر می خواهی برابر با اوصاف خودت رفتار کنی، ما مشمول رحمت قرار می گیریم.

پروردگارا! می خواهی با ما برابر اوصاف ما رفتار کنی یا برابر اوصاف خودت؟! اگر می خواهی برابر اوصاف ما رفتار کنی، ما مستحق عذابیم، اگر می خواهی برابر با اوصاف خودت رفتار کنی، ما مشمول رحمت قرار می گیریم.

فَأَمْنٌ عَلَيْنَا بِمَا أَنْتَ أَهْلُهُ

بر ما منت پنه به این که ما را برابر وصفی که خود داری به محکمه دعوت کن، نه برابر استحقاقی که داریم! این که در برخی از ادعیه آمده است: إلهی آمِنًا بِفَضْلِكَ وَ لَا تُؤَامِنًا بِعَدْلِكَ از همین قبیل است.

وَ جُدْ عَلَيْنَا فَإِنَّا مُحْتَاجُونَ إِلَى نِيْلِكَ

ما به عطای تو نیازمندیم، تو از تعذیب ما بی نیازی!

آنگاه در جملات بعد این چنین عرض می کند:

یا غَفَّارُ بُنُورِکَ اهْتَدَيْنَا وَ بِفَضْلِکَ اسْتَغْنَيْنَا وَ بِنِعْمَتِکَ اَصْبَحْنَا وَ اَمْسَلْنَا

پروردگارا! آن مقدار هدایتی که نصیب ما شده است، با نور وحی و فطرت و عقلی بود که تو به ما دادی! و اگر ما از دیگران بی‌نیاز شدیم، در اثر تفضل تو بود! و ما در بامداد و شامگاه غرق نعمت توایم. به نعمت تو صبح کردیم، به نعمت تو شام می‌کنیم. یعنی حیات ما، زندگی ما در کنار سفره نعمت توست.

ذُنُوبُنَا بَيْنَ يَدَيْكَ نَسْتَغْفِرُكَ اللَّهُمَّ مِنَّا

پروردگارا! گناهان ما هم معلوم توست و هم خود ما مقذور تو! هم از سیئات ما باخبری، هم از تعذیب تبهکاران و بر تعذیب تبهکاران مقتدری. ما توبه می‌کنیم، به طرف تو برمی‌گردیم. (توبه) یعنی رجوع. اصولاً مسئله رجوع درباره عبد معنا دارد، درباره ذات اقدس إله فیض می‌تواند رجوع کند، اما ذاتش رجوع بردار نیست.

بیان مطلب از این قبیل است: چون ذات اقدس إله هستی نامتنهی است، این مقدمه اول، یک موجود نامتنهی نسبتش به جمیع اشیاء علی السواء است، این مقدمه دوم.

بنابراین خدای سبحان نسبتش به جمیع اشیاء در جمیع شرائط و شئون و احوال و شرائط علی السواء است. این چنین نیست که به کسی نزدیک باشد و از کسی دور باشد. البته در بحث‌های حوزوی و مدرسه‌ای برای بطلان دور و تسلسل این چنین بازگو می‌کنند که سلسله علل و معلولات باید به سرآغاز ختم بشود. چنین تفکری با تفکر نیایش و دعا خیلی هماهنگ نیست! خدائی که انسان با بطلان دور و تسلسل ثابت می‌کند، معنایش این است که: این سلسله علل بالأخره باید منتهی بشود به مبدء آفرینش. و خدا به عنوان سرآغاز این سلسله تلقی می‌شود. اگر احاد این سلسله متبائنات باشند که خدا یک مباینی است با دیگران مبائنات، منتها از دیگر مباینات بزرگتر و مهمتر است. و اگر این سلسله، سلسله تشکیکی باشد، همه اینها مراحل یک واقعیت‌اند و خدا اعلی المراتب است.

به هر تقدیر چه بر اساس تباین هستی، چه بر اساس تشکیک خداوند سرآغاز سلسله است. اما بر اساس نامتنهی بودن ذات اقدس إله که لسان دعا همین لسان غیر منتهی بودن خداست، این چنین نیست که خدا سر سلسله باشد. نسبت خدا به صادر اول و صادر آخر یکسان است. چون اصولاً حقیقت نامتنهی تفاوتی در ناحیه او نخواهد بود. به همه اشیاء در همه شرائط یکسان احاطه دارد. و اگر تفاوتی هست، از طرف گیرندگان است، نه از طرف دهنده.

به هر تقدیر چه بر اساس تباین هستی، چه بر اساس تشکیک خداوند سرآغاز سلسله است. اما بر اساس نامتنهی بودن ذات اقدس إله که لسان دعا همین لسان غیر منتهی بودن خداست، این چنین نیست که خدا سر سلسله باشد. نسبت خدا به صادر اول و صادر آخر یکسان است. چون اصولاً حقیقت نامتنهی تفاوتی در ناحیه او نخواهد بود. به همه اشیاء در همه شرائط یکسان احاطه دارد. و اگر تفاوتی هست، از طرف گیرندگان است، نه از طرف دهنده. لذا

در این دعا عرض می‌شود که: خدایا! گناهان ما در دست توست. ما هم مقذور توایم. اگر بخواهی ببخشی روی کرم است و اگر بخواهی انتقام بگیری، روی عدل است. ما به طرف تو برمی‌گردیم، وگرنه لطف تو نسبت به همه ما علی السواء است.

تَتَحَبَّبُ إِلَيْنَا بِالنِّعَمِ وَ نَعَارِضُكَ بِالذُّنُوبِ

خدایا! تو خود را به عنوان دوست نسبت به ما نشان می‌دهی، با این که همواره مهربانانه با ما رفتار می‌کنی! ما به عنوان دشمنی گناه می‌کنیم. خیر تو به طرف ما نازل است، شر ما به طرف تو سائل. یعنی آنچه فرشتگان به طرف تو ابلاغ می‌کنند گناهان ماست.

همواره یک فرشته کریمی است، سیئات ما را به عرض شما می‌رساند، گرچه شما به ما و به فرشته‌ها از خود ما و فرشته محیط تری و عالمتری! ولی مع ذلک با همه این گزارش‌های تلخ که به عرضتان می‌رسد، مانع نمی‌شود که شما ما را غرق نعمت

نکنی، و آلاء و نعمت‌ها را بر ما فاضلانه نریزی! چه قدر شما حلیمی، چه قدر شما بزرگواری، چه قدر شما از جهت مُبدع و محیط بودن کریمی! با این که دائماً از طرف ما نقص گزارش می‌شود، ولی همواره از طرف شما کمال و نیل و عطا به ما می‌رسد.

غَفَرَ اللَّهُ لَنَا وَ لَكُمْ وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَ رَحْمَهُ اللَّهُ وَ بَرَكَاتُهُ

منبع: تبیان

#گروه_صهبای_رمضان

معاونت فرهنگی تربیتی مرکز آموزش های غیرحضورى

<http://vufarhangi.whc.ir>